



۲۰۱۴/۰۴/۰۵



دوکتور ص، س، سعید افغانی

انتخاب کاندید مناسب یا کار به اهل آن!

اگر نظام دیموکراتیک و دیموکراسی حاکمیت مردم برای مردم و در خدمت ارزشهای مردم در مطابقت به ارزشهای عام قبول شده بشری است که است، لذا دیموکراسی تعریف شده در چوکات قوانین، مطابق به رموز طبیعی مردم و انسیتوت های دیموکراسی خاصاً انتخابات (و امر هم شورا بینهم) در عالم اسباب و درین فرصت کوتاه ابتلا، آزمایش، انتخاب، مسؤولیت پذیری و جوابگو بودن از عملکرد خویش برای ما انسانها به هیچ صورت و دلیل موجه رد دیموکراسی و نظام مردمی شده نمی تواند. به این ترتیب دیموکراسی و نظام دیموکراتیک به مفهوم واقعی کلمه بدیل خوب ندارد و داشته نمی تواند. مردم ما مسلمان اند، ارزشها و انتخاب یک مسلمان معلوم است و نقش علماء و پیشتازان نه به حیث تعویض کننده ملت و اراده آن، بلکه حیث ممد و رهنمایی کننده ملت و مساعدت کننده به انتخاب شان، نیز روشن و واضح است.

در مورد وضع جاری کشور و بکار گیری انتخابات جهت ایجاد حاکمیت مبتنی بر اراده ملت و در نتیجه آن حاکمیت مشروع و به همین علت قوی که بتواند به عوض شرکت سهامی بودن، مظهر واضح اراده ملت باشد و مشروعیت برنامه های خویش را از ملت گرفته باشد، خواست و ضرورت واضح ماست.

لذا به این شکل و به این ترتیب به حق **انتخاب کاندید مناسب در واقعیت همان سپردن کار به اهل آن است که دهها سال مردم ما به آن مشتاق و خواهان آن بودند و به حق و موجه در هر فرصت از نبودن کار در دست اهل کار، شکایت داشتند و آنرا یکی از مشاغل اساسی ملت و مردم خویش دانسته ایم.**

در مورد انتخابات جاری در کشور ما بعد از ۱۳ سال حاکمیت دیسانت شده و بی کفایت در واقعیت سه موضع وجود دارد:

- ۱- یکی نفيه گذشته ۱۳ سال با تمام قدم های اندک مثبت برداشته شده که به قیمت مادی و معنوی بس گزاف و پُر مصرف و با بکار گیری وقت زیاد در تناسب به نتایج حاصله، بدست آمده.
- ۲- اصلاح، تحول و تداوم به قدم های مثبت گذشته با برخورد نفاذانه، با درایت، استوار و متین.
- ۳- دوام گذشته به نحوی که وجود داشت.

هر سه گروه فوق از قماش های مختلف از خود ممثلین فعال و غیر فعال دارند. ممثل، پیشتازان و چهره های مجسم یافته سه گنگوری فوق در بین کاندیدان ریاست جمهوری ۱۳۹۳ و صحنه سیاسی افغانستان همین حالا به جدیت خاص برای برنامه های خویش عملاً کار میکنند.

مواضع و دلایل هر سه گروه و گروه موجود اند. ممثلین گروه دوم و سوم را در وجود سه کاندید مطرح ریاست جمهوری هر یک جناب داکتر اشرف غنی احمدزی، جناب داکتر عبدالله عبدالله و جناب داکتر زلمی رسول می بینیم.

علم دولنداری و عقل سلیم و تجارب عملی نفيه گذشته را موجه، منطقی و به نفع منافع ملت و کشور در صورت موجودیت شرایط معین، نمی داند. برخورد نفيه گذشته به مفهوم معین یک حرکت انقلابی است و نفيه انسیتوت های دیموکراتیک ایجاد شده ولو به شکل فورمال در موارد معین چیزی جز بازگشت به نقطه اولی ۱۳ سال قبل که در نتیجه دولت مؤقت اعلان گردیده و تجربه های تجربه شده را باز ممکن به نحوی تکرار کنند به تجربه می گیرند.

مسلم در وضع موجود کاملاً غیر قناعت بخش افغانستان عوامل داخلی و خارجی اصلی و فرعی زیادی مؤثر است و بوده اما در پهلوی نقش دو رویه و خصمانه پاکستان (پنجاب) علیه افغانستان، نقش تیم جناب حامد کرزی مانند یکی از فکتور ها و عوامل عمده فرصت های طلایی غیر قابل تکرار عصر مردم افغانستان و جامعه جهانی را در افغانستان و منطقه به هدر داد و ضایع کرد. اما با آن هم افغانستان در مرحله دیگر از انکشاف خویش فرار دارد و افغانستان امروز دیگر آن افغانستان ۱۳ سال قبل نیست.

سیاسیت اقتصادی، کادری و عدم تصویب قوانین خوب و عدم تطبیق قوانین حتی نیم بند موجود توسط حاکمیت جناب حامد کرزی و عامل چندی دیگر ناشی از خطاها و تخلف های صریح حاکمیت جناب ح کرزی عوامل اند که موجودیت حالت رقتبار و ادامه تراژیدی ملت افغان وبقای خطر برای صلح جهانی در منطقه و افغانستان را باعث گردیده.

حاکمیت جناب حامد کرزی بخاطر اینکه خود اغشته به فساد بوده، مانع انکشاف و به هدر رفتن فرصت های مردم افغان نستان شد. کابل بانک، کمپنی سوپریم شخصی امریکایی با باقی داری ملیارد ها دالر از تکس و مالیه مردم افغانستان و بیستر از ۱۵ کمپنی دیگر خارجی که در شرایط حاکمیت بی کفایت با دهها قرار داد اقتصادی غیر شفاف و مخالف منافع مردم افغانستان و خود به فساد آغشته بودن و عامل آن بودن مطالب و عوامل اند که نشان میدهد که حاکمیت بی کفایت حد اقل در موارد حق السکوت های بزرگ مالی به دست آورده اند.

گرفتن پول های به بوجی از مراجع خارجی توسط مقام ریاست جمهوری به صورت غیر مشروع و غیر قانونی ودهها تخلف دیگر واضح میسازد که نمک گندیده و مشکل را حل کرده نمی تواند و حل مشکل توسط مقامات فاسد ناممکن است. ادامه این حالت وکاندید که ادامه دهنده سیاست ارگ باشد به صورت مطلق غیر قابل قبول است.

لذا توجیه نفیه گذشته و به این ترتیب ایجاد حکومت حاکمیت مؤقت و تیم کاری به زعامت این ویا آن شخص همین حالادرسورت به صورت قوی مطرح شده میتواند که حاکمیت موجود بار دیگر به تخلف وقلب بپردازد. اما دهها سوال درین مورد وجود دارند که تا حال به صورت موجه حل نه شده و برای یافتن به راه حل به کار بیشتر ضرورت است. اینکه کدام مرجع مشروع باید این نظام مؤقت (دوساله) را باکدام مشروعیت و برای کدام کار مشخص رهبری کند و معیار و ملاک خوبی و یا بدی، مناسب و عدم مناسب بودن چه خواهد بود و درین راستا قاضی کی خواهد شد؟ خاین یکی خادم و قهرمان دیگر است و قهرمان یکی بزد دیگر و خاین دیگر شیر دیگر است. درین مورد معیار چیست و کی قاضی خواهد شد و بکدام صلاحیت و مشروعیت؟ این و دهها سوال دیگر که در صورت ناگزیر شدن آن ضرورت به جواب پیدا کردن میکانیزم واقعی کار است.

لذا یگانه گزینه همان گزینه انتخاب و رفتن به پای صندوق انتخابات شد و انتخاب شخص بهتر و مناسب تر و کار به اهل کار سپردن است.

این حالت مارا شدیداً به گزینه دوم نیز که اگر حاکمیت دست به تقلب بزند، نیز به تعمق مجبور ساخته و در صورت تقلب مجبور خواهیم شد انتخاب را غیر مشروع و برخوردار های انقلابی و نفیه گذشته گزینه تحمیل شده خواهد گردید. حالت و چیزیکه عواقب بس ناگوار شوم برای کشور و ناگوار برای مردم و خاصانه حاکمیت موجود خواهد داشت.

و حال که درین مرحله قرار داریم انتخاب و گزینه بهتر و کار به اهل کار سپردن یعنی چه؟ بهترین و مناسب ترین شخص و مشخصات اهل کار کدام اند؟ که باید اثر با امانت داری کامل در نظر داشت.

انتخابات و رفتن به انتخابات یک وجبیه و شهادت دادن یک هموطن و انتخاب بهترین از بهتر ها ست. مازمانیکه بهترین از بهتر ها میگویم نباید فراموش کرد که حق نداریم به هر قیمت هر کثافت را به مخالف سیاسی خویش که وی نیز اولاد این وطن است بیاندازیم. دولتداری خوب زمانی میسر شده میتواند که اکثریت (کسانیکه مشروعیت را در انتخابات آزاد و شفاف بدست آورد) حاکمیت کند و اقلیت (بهتر های که بهترین از جانب ملت پنداشته نه شد) زمینه و امکان کار و سهم خویش را در آبادی وطن با زمینه سازی توسط اکثریت حاکم، داشته باشد.

با این دید و تحلیل پیشکش شده عدم رفتن به انتخابات و انتخاب بهترین از بهترها برای خدمت ملت، مردم و کشور گناه است. این آخر کار هم نیست. بهترین از بهتر ها حتمی نیست در چوکات شرایط فعلی موجود باشند. اما باید کار صورت گیرد تا زمینه ساز کار و رهبری بهترین بهتر ها بوجود آید. درین راستا رهبر وزعیم زنده دایمی وجود ندارد. قهرمانی و شهامت درکار و فعالیت باید به صورت دوامدار در عمل نشان داده شود و ملت باید توانایی نظارت بر عمل کرد کسانی شود که به آنها صلاحیت رهبری کشور را در دست داده است.

به این ترتیب نرفتن به انتخابات گناه است.

حق را نگفتن باوجود علم بان انسان را مطابق به حدیث پیامبر اسلام (ص) بمنزلت شیطان گنگ میسرساند (الساکت عن الحق شیطان اخرس).

د پانوی شمیره: له ۲ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

علاوه بر این در طول زندگی اعتراض داریم که کار به اهلش سپرده نمی شود و حال ما که فرصت سپردن کار به اهلش را داریم ادای رسالت نه کنیم و در چوکات شرایط ممکن درین پروسه سهم مثبت نه بگیریم و در صورت حق رای داشتن، رای خویش را بری انتخاب بهتر نه دهیم.

بر ماست تا با درپیش قرار دادن معیار های اساسی منافع و مصالح کشور و مردم انتخاب خویش را مانند یک مسلمان و یک انسان بارسالت اداء نمایم.

مشخصات بهترین بهتر ها کدام اند؟

مشخصات بهترین از بهترها برای بحث ما برای انتخاب کاندید شورا های ولایتی و ریاست جمهوری:

درین مورد به صورت عمده سه مشخصه را میتوان اساس قرار داد:

❖ ۱- شخص مورد انتخاب ما باید دانش و فهم لازم سیاسی و مسلکی از دولت داری داشته باشد. بهتر است مسایل اقتصادی را بداند و برنامه برای مسایل مطرح کشور داشته باشد. نسخه هایکه خود به عمق و بُعد آن پی ببرد. فهم عملی و علمی و امکانات جامعه را در نظر گرفته و تجارب تلخ گذشته تکرار نه کردن، نسخه های را پیشکش کنیم که در وقت کم و با مصرف کم و نتایج بیشتر مارا ازین مرحله احتیاج خارج سازد و سرمایه های موجود مارا از هدر رفتن، برهاند. تجربه و کار کرد عملی گذشته شخص در حاکمیت و خارج از آن باید مثبت این فهم دانش در عمل شود که این مارا میرساند به مشخصه دوم

❖ ۲- تقوی سیاسی و گذشته مثبت و قابل ارج و پُر از خدمت و صداقت. یعنی آنکه در سالهای مصروفیت سالهای گذشته لغزش سیاسی نداشته و در عمل کار مناسب خیر کرده در سیاست کدری خویش در زمان حاکمیت خویش برخورد قومی، سمتی و تنظیمی نه کرده و خود در انتخاب و انتصاب خویش فهم و مسلک و تقوی سیاسی کادر را در نظر گرفته و خود با روش های و میتود های مردم به اساس اصل منافع و مصالح کشور و مردم عمل کرده باشد و عملا نشان دادن باشد که در زمان حاکمیت خویش از آب ها معادن و خدمات برای مردم به صورت بهتر و خوبتر استفاده کرده باشد.

❖ ۳- داشتن مشروعیت سیاسی که درین حالت همان انتخاب مردم برای یک پُست و مقام سیاست است. در نظام مردم و مدرن دولتی امروزی درجهان پُست های دولتی به پُست های سیاسی و مسلکی انتخاب و انتصاب صورت میگیرد. پُست های مسلکی به اساس فهم سیاسی و مسلکی و دوم پُست های سیاسی که با اساس نتایج انتخابات و نتایج انتخاب در نظر گرفته شده و عمل صورت میگیرد.

در دیموکراسی مستقر و شرایط نورمال موجودیت احزاب سیاسی با برنامه های مشخص و کار شده و شناخت مردم از راه های حل احزاب مذکور نه تنها کادر های لازم را ایجاد، تربیت و پرورش میشوند بلکه شناخت مردم هم در مورد مسایل موجود و مواضع احزاب ساسی در مورد این مسایل موجود است و مردم میدانند که کدام حزب و شخص مربوط به حزب در مورد کدام مسأله چه نوع برخورد خواهد داشت. اینجانب رشد جامعه به صورت تصادفی انکشاف نمی یابد و نه هم به صورت مصنوعی رشد مییابد. حاکمیت های باید زمینه سازی کنند تا این جانب استقرار سیاسی جامعه به صورت طبعی رشد کند. کاریکه حاکمیت جناب حامد کرزی درین راستا کدام اقدام مؤثر نه کرد بلکه نفرت شدید هم درین راستا در مقابل احزاب بنابر توجیهاط سطحی این حاکمیت از احزاب وجود داشت و مانع رشد احزاب گردید.

لذا بادر نظر داشت تحلیل فوق و با در نظر داشت مشخصات فوق بر ماست تا رسالت خویش را درین انتخابات اجرا کرده و به پای صندوق رای رفت. کاندید را انتخاب کرد که به هر دو زبان ملی کشور صحبت روان نموده بتواند و بر علاوه فهم مسلکی و تجربه و عملی بهتر از دیگران قادر به تشکیل دولت ملی گردیده و جوابگوی چهره واقعی افغانستان گردیده و با مشخصات و توانایی های خویش مبنی بر عدم تمثیل واقعی کشور موجب و بهانه برای دشمن مبنی بر تحریک افغانها مبنی به حق تلفی شان گردیده و حتی زمینه ساز تجزیه افغانستان گردد.

بر ماست تا ناظر صادقانه وضع بود، تخلف و متخلف را به موقع افشاء ساخت و با انتخاب خوب و بهترین از بهتر ها نگذاشت انتخابات به روند دوم برود. درین راستا کاندیدان هشت گانه میتوانستند نقش مثبت ایفا کنند که با جرئت و شهامت تصمیم پیوستن به کاندیدان مطرح گرفته و در تصمیم گیری ملت مساعدت میکردند که نکردند. اما باز هم سخن و اساس تصمیم در دست شما ملت است. زنده باید ملت افغان. پاینده باد افغانستان. و متوفیقنا الا بالله. ۱۵ حمل ۱۳۹۳

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

پادونه: دلېکنې د لېکنيزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ